

بررسی جامعه‌شناختی میزان اعتماد اجتماعی گروه‌های

قومی نسبت به سیاست‌های اجتماعی دولت

(مطالعه موردی استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی)^۱

* دکتر مهناز امیرپور

کد مقاله: ۲۵۹

چکیده

به منظور بررسی میزان اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی نسبت به سیاست‌های اجتماعی دولت در استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی، ۴۱۰ نفر از گروه‌های قومی موجود به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، انتخاب شدند.

در راستای اهداف تحقیق، چهارچوب نظری با دسته‌بندی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی در سه سطح خرد، کلان و تلفیقی، تهیه و تنظیم شد.

روش تحقیق، ترکیبی از روش‌ها، فنون کمی و کیفی است که در بخش کمی، داده‌های حاصل از پرسش‌نامه با استفاده از روش‌های آماری (آزمون t استیودنت، آنالیز واریانس، رگرسیون و . . .) مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در بخش کیفی، اطلاعات با مراجعه به کتاب‌ها، اسناد و انجام مصاحبه گردآوری شد.

نتایج تحقیق، حاکی از وجود رابطه معنادار بین کارآمدی نهادی، عدالت نهادی، امنیت اجتماعی، و عدم ارتباط معنادار بین میزان مشارکت با اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی نسبت به سیاست‌های اجتماعی دولت است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، سیاست اجتماعی، گروه‌های قومی.

۱- مقاله حاضر بر اساس گزارش نهایی رساله دوره‌ی دکتری جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات تحت عنوان «بررسی جامعه‌شناختی میزان اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی نسبت به سیاست‌های اجتماعی دولت (مطالعه موردی استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی)» در سال ۱۳۸۷ تدوین یافته است.

* دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام.

Email: mahnazamirpoor@yahoo.com

مقدمه

اعتماد اجتماعی^۱ یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی^۲ است، که جامعه آن را در گذر زمان و به تدریج و از طریق تعاملات افراد و گروه‌های اجتماعی به دست می‌آورد و آن‌گاه به نوعی باور و ارزش اجتماعی تبدیل می‌شود که مبنای اعتماد سایر افراد جامعه قرار می‌گیرد. اعتماد اجتماعی از شبکه‌های موجود در روابط و مناسبات اجتماعی، مدنی و هنجارهای برخاسته از آن ناشی می‌شود و نقش بنیادی در کارایی و اثربخشی گروه‌های اجتماعی بازی می‌کند و سبب ایجاد اتحاد، انسجام^۳ و وفاق اجتماعی^۴ می‌گردد. شولتز می‌گوید: «وجود اعتماد باعث پیدایش آرامش، امنیت و سلامتی روان خواهد گردید. در جامعه‌ای که اعتماد وجود داشته باشد افراد کمتر دغدغه‌هایی نظیر به مخاطره افتادن نیازها و خواسته‌های خود را دارند» (شولتز و دیگری، ۱۳۷۷، ص ۴۹۹).

اعتماد اجتماعی در ایجاد حس مشارکت و تعاون نقش مؤثری دارد و به گروه‌های مختلف اجتماعی کمک می‌کند تا علایق و منافع خود را مطابق امیال و علایق دیگران کنند و فرصت لازم را در اختیار برنامه‌ریزان اجتماعی قرار می‌دهد تا به اهداف اجتماعی خود راحت‌تر دست یابند. مقوله‌هایی چون؛ آموزش، امنیت، بهداشت عمومی، ارائه خدمات عمومی و ... همه در متن سیاست‌های اجتماعی قرار دارند و دولت در معنای وسیع خود با قدرت نظم‌آفرینی که در قالب وضع و اجرای سیاست‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، به انتظام روابط اجتماعی همت می‌گمارد و امور جامعه را سامان می‌بخشد (الوانی و دیگری، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹).

نکته مورد توجه در این سیاست‌گذاری‌ها، در نظر گرفتن خواسته‌ها و نیازهای معقول تمام گروه‌های مختلف اجتماعی و از جمله گروه‌های قومی ساکن در کشور و مشارکت دادن آن‌ها در این برنامه‌ها می‌باشد. توجه به گروه‌های قومی و نیازهای آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، سبب تقویت و افزایش اعتماد، وفاق و هم‌گرایی اجتماعی^۵ می‌گردد.

بیان مسأله

در جامعه امروزی، هر فردی در زندگی روزمره، ناگزیر از تعامل با تعداد زیادی از افرادی است که آن‌ها را نمی‌شناسد اما به خاطر ضروریات زندگی، بخشی از آرامش و رفاه خود را در دست‌های آن‌ها می‌نهد. هنگامی که سوار تاکسی می‌شویم از خود می‌پرسیم که آیا راننده، کرایه‌ی منصفانه‌ای از ما می‌گیرد؛ به اداره مراجعه می‌کنیم و مطمئن نیستیم که فرد مسئول، کار ما را به درستی انجام می‌دهد یا خیر و . . . در همه‌ی این موارد ما نیاز داریم به دیگران اعتماد کنیم.

کاهش اعتماد اجتماعی در ایران، مسأله‌ای است که محققان متعددی آن را گوشزد کرده‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳؛ آزاد ارمکی و دیگری، ۱۳۸۳؛ شارع پور، ۱۳۸۰).

موضوع اعتماد اجتماعی و نیز ارتباط آن با سیاست‌های اجتماعی دولت، از جمله مسایل مهم در هر جامعه‌ای می‌باشد که این ارتباط به تعاریف و مفاهیم سیاست‌گذاری در عرصه سیاست‌های اجتماعی بر می‌گردد. سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، بخشی از فعالیت عقلانی انسان و تلاش برای تسلط، کنترل و هدایت جامعه است که از تعامل میان طبقات، اقشار، گروه‌های اجتماعی و افراد مختلف جامعه با یکدیگر و با حکومت به دست می‌آید و کارکرد اصلی آن سامان‌دهی روابط بخش‌های مختلف جامعه می‌باشد. در سیاست اجتماعی نکته حایز اهمیت این است که همه گروه‌های اجتماعی جامعه اعم از نژادی، قومی، زبانی و . . . یک گروه واحد و یکسان در نظر گرفته می‌شوند و بحثی به عنوان نژاد، زبان، اقلیت، اکثریت و گروه‌های قومی برای دریافت خدمات اجتماعی برتر وجود نخواهد داشت (بیکر، ۱۳۸۲، ص ۸).

موفقیت سیاست‌ها به گرایش‌های مبتنی بر همکاری و مشارکت بستگی دارد و در این میان «اعتماد»^۶ سرچشمه همکاری اجتماعی است، که باید آن را فعال کرد تا کیفیت نظم اجتماعی افزایش یابد. غایت سیاست‌های اجتماعی، سوق‌دادن جامعه به سمت کمال و سعادت است و دولت سعی در این امر دارد تا بتواند مشروعیت خود را در بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها افزایش دهد. به عقیده اینگلههارت^۷ اعتماد نقش مهمی برای ثبات دموکراسی در جامعه ایفا می‌کند (ینگلههارت، ۱۳۸۲، ص ۹۰).

به عقیده فوکویاما^۸، کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در یک کشور، قبل از آن‌که بر اساس موازین قراردادی و حقوقی استوار باشد، بر پایه اعتماد متکی است. به

نظری وجود اعتماد در میان گروه‌های تشکیل‌دهنده یک جامعه به میزان بسیار زیادی می‌تواند هزینه‌های برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی و ... دولت را کاهش و کارایی و موفقیت آن را افزایش دهد (کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۳).

پوتنام^۹ نیز مطرح می‌نماید که اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه‌ای بیشتر باشد، احتمال همکاری بیشتر است. به علاوه خود همکاری نیز موجب اعتماد است (پاتنام، ۱۳۸۰، ص ۲۹۱).

دولت با ایجاد فرصت برابر در استفاده از امکانات آموزشی، بهداشتی، خدماتی و ... می‌تواند احساس نبودن تبعیض^{۱۱} و نابرابری^{۱۱} فرصت در بین گروه‌های اجتماعی موجود در کشور را از بین ببرد و سبب افزایش اعتماد به خود گردد (متصودی، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

ملکی‌زاده در تحقیق خود به این نتیجه دست می‌یابد که هر چه دولت، توانایی بیشتری برای توزیع عدالت، خدمات، رفاه و ... در بخش‌های یک نظام داشته باشد، به همان میزان توانایی جلب اعتماد مردم را بیشتر خواهد داشت و در سیاست‌های خود موفق خواهد بود (ملکی‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۲۰).

یکی از راه‌های نزدیک شدن و اعتماد قومیت‌ها به دولت و مشارکت آن‌ها در امور مدنی جامعه، به میزان کارایی کارکردهای دولت بستگی دارد. که یکی از سیاست‌های اجتماعی دولت ایجاد توسعه اجتماعی در تمامی نقاط کشور از جمله در مناطق قوم‌نشین می‌باشد و تلاش می‌نماید در زمینه‌های آموزش، بهداشت، بهزیستی، تامین اجتماعی و ... خدمات ارزنده‌ای را ارائه کند، لذا اگر در این برنامه‌ریزی‌ها جایگاهی برای مشارکت گروه‌های قومی در نظر گرفته شود، قطعاً سبب کاهش بی‌اعتمادی جمعی خواهد شد.

بی‌اعتمادی به سیاست‌های اجتماعی دولت و مشارکت نکردن گروه‌های قومی سبب ایجاد احساس محرومیت نسبی^{۱۲} در بین گروه‌های قومی و تقویت فرهنگ پنهان‌کاری و محافظه‌کاری در جامعه می‌شود (متصودی، ۱۳۸۰، ص ۵۶).

با توجه به موارد فوق سؤال آغازین تحقیق، عبارت است از: سیاست‌های اجتماعی دولت چقدر بر افزایش یا کاهش میزان اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی تاثیرگذار بوده است؟

ضرورت مطالعه موضوع مورد بررسی

ایران در زمره‌ی کشورهای ناهمگون و متکثر قومی و مذهبی است. بنابراین مطالعه و بررسی در این زمینه که چگونه قومیت‌های متعدد با دولت در زمینه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی روابط و مناسبات متقابل برقرار می‌کنند، و این گروه‌های قومی چه جایگاهی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های دولت در مناطق قوم‌نشین دارند، و این جایگاه و مناسبات چه تاثیری در افزایش یا کاهش اعتماد اجتماعی این گروه‌ها نسبت به سیاست و عملکردهای دولت دارد، اهمیت و ضرورت خاصی دارد. چرا که اعتماد اجتماعی یکی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و گسترش مدرنیته است. ویژگی‌های تاریخی - اجتماعی جامعه‌ی مورد بررسی و نیز وجود خرده‌فرهنگ‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای که از نتایج آن خاص‌گرایی و کاهش اعتماد اجتماعی به غربیه‌هاست، مطالعه‌ی اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی در کشور و بخصوص در استان‌های خراسان را به یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های شناخت استان به منظور فراهم‌سازی شرایط توسعه اجتماعی آن بدل ساخته است. عامل دیگر که مطالعه این موضوع را ضروری می‌سازد، وجود گروه‌های قومی در مناطق مرزی استان‌های خراسان می‌باشد که اکثراً در نقاط مرزی با دو کشور ترکمنستان و افغانستان سکنی گزیده‌اند و با گروه‌های قومی آن سوی مرز هم‌خون، هم‌زبان و هم‌مذهب می‌باشند و با یکدیگر مراودات و رفت‌وآمد دارند. لذا عدم توجه به آنان در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی دولت ضمن ابقای نگرش خاص‌گرایانه در افراد، در شرایط فقدان برنامه‌ریزی منسجم اجتماعی، افزون بر تشدید رقابت‌های بین‌گروهی و قبیله‌ای متاثر از خاص‌گرایی و ایجاد فاصله اجتماعی میان گروه‌ها به تضعیف مشارکت و کاهش اعتماد جمعی آنان نسبت به دولت منجر می‌گردد (میری، ۱۳۸۰، ص ۷۷).

بدین دلیل سیاست‌های اجتماعی و جایگاه آن در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت، با افزایش شناخت گروه‌های قومی از سیاست‌های اجتماعی دولت، سبب ایجاد اعتماد، انسجام و وفاق اجتماعی خواهد گردید.

حضور و سکونت اقوام مختلف تحت عنوان اقلیت‌های قومی، مذهبی در استان‌های خراسان در قالب ایل، قبیله، تیره، طایفه و عشیره به علل گوناگون از جمله دلایل ذیل بوده است:

- کوچ اجباری توسط پادشاهان، جهت جلوگیری از حمله و تهاجم دشمنان به سرحدات مرزی و مقابله با راه‌زنان و ناامنی‌ها.
- جنگ و انقلاب در دیگر مناطق و اخراج بعضی از اقوام به داخل ایران (خراسان).
- خشک‌سالی و قحطی و بروز بیماری‌های واگیر در دیگر مناطق (بخصوص افغانستان، پاکستان، بلوچستان و ...).
- سکونت برخی از اقوام مهاجم در خراسان از طرف آسیای مرکزی و سرزمین‌های ماوراءالنهر و ترکمنستان، فرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان).
- وجود مرقد حضرت رضا (ع) در خراسان و موفقیت ژئوپلیتیکی خراسان به‌عنوان شاهراه عبور به سمت خاور دور، آسیای میانه، خلیج فارس و ...
- از مهم‌ترین عللی که باعث گردید در سال‌های اخیر قوم‌گرایی به‌عنوان یک شیوه‌ی تفکر و هم به‌عنوان یک جنبش اجتماعی در منطقه ظهور نماید، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- محرومیت‌های موجود و پایین‌بودن سطح توسعه‌یافتگی مناطق مختلف استان‌های خراسان.
- هم‌جواری با دو کشور افغانستان و ترکمنستان به‌عنوان خاستگاه جنبش‌های قوم‌گرا در سال‌های اخیر و تحریکات بیگانگان و جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی در بین اکراد شمال خراسان.
- کم‌توجهی و بی‌تدبیری در پاسخگویی به خواسته‌های (قانونی و طبیعی) قومی.
- لازم به ذکر است، میزان شکاف قومی در خراسان بزرگ فعلی به حدی نیست که منجر به برخورد و کشمکش‌های سیاسی حاد شود اما می‌تواند موجب تضعیف وفاق و همبستگی اجتماعی و در نهایت تضعیف وحدت ملی گردد.

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی میزان اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی نسبت به سیاست‌های اجتماعی دولت در استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی است.

اهداف جزئی تحقیق

- مطالعه وضعیت کارآمدی نهادها و سازمانهای اجتماعی مرتبط با اهداف رفاهی دولت و تاثیر آن بر اعتماد اجتماعی گروههای قومی.
- مطالعه میزان موفقیت دولت در اجرای سیاستهای اجتماعی از نظر گروههای قومی.
- مطالعه وضعیت عدالت نهادی در بین گروههای قومی در اجرای سیاستهای اجتماعی.
- مطالعه میزان مشارکت اجتماعی گروههای قومی در اجرای سیاستهای اجتماعی.
- مطالعه وضعیت امنیت اجتماعی از نظر گروههای قومی.

پیشینه‌ی تحقیق

امیرکافی در مطالعه خود در زمینه‌ی «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» در سال ۷۵ که با روش پیمایشی در بین افراد متأهل و بالای ۲۰ سال شهر تهران انجام داد، به این نتیجه رسید که میزان اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان در حد متوسط به بالا است و میانگین اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان سیر نزولی داشته است. همچنین میزان اعتماد اجتماعی در بین مردان بیش از زنان بوده است. تحصیلات افراد با اعتماد اجتماعی رابطه‌ی منفی دارد (امیرکافی، ۱۳۷۵).

عباس‌زاده در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان» در سال ۱۳۸۳ در تبریز به این نتیجه رسید که میزان اعتماد اجتماعی در بین نمونه دانشجویان دانشگاه تبریز متوسط بوده است و عوامل اجتماعی و فرهنگی بیشترین تاثیر بر اعتماد اجتماعی دارد (عباس‌زاده، ۱۳۸۳).

غلامرضا کاشی در مطالعه «شکاف نسلی در ایران» به این نتیجه رسید که نسل انقلاب و جنگ (متولدین ۴۱-۳۱) بیش از سایرین به روابط اجتماعی بیرون از خانواده اعتماد می‌کنند در حالی که نسل خاطره جنگ (متولدین ۶۴-۶۰) بیشتر با دوستانشان ارتباط دارند، ولی کمتر به آنها اعتماد دارند (کاشی، ۱۳۸۲).

تحقیقی با عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان» توسط اوجاقلو انجام گرفت و به این نتیجه دست یافت که بین منطقه سکونت،

تحصیلات و میزان مطالعه با میزان اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (اوجاقلو، ۱۳۸۴، صص ۹۵-۱۲۵).

فرضیه های تحقیق

- بین کارآمدی نهادها و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین عدالت نهادی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین احساس امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین موفقیت دولت در اجرای سیاست‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

تعاریف مفاهیم

تعریف عملی اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن‌ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه (نهادها، ارگان‌ها، سازمان‌ها و ...) تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آن‌ها می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

تعریف عملی سیاست اجتماعی: سیاست اجتماعی مسایلی چون؛ آموزش و پرورش رایگان، بهداشت و درمان رایگان، امنیت اجتماعی، روابط و مناسبات اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عدالت و برابری اجتماعی را شامل می‌شود.

تعریف عملی گروه‌های قومی: گروهی است که اعضای آن احساس اشتراک در اصل و ریشه، ادعای تاریخ و سرنوشتی مشترک و یک یا چند ویژگی متمایزکننده دارند و احساس یگانگی جمعی و همبستگی کنند (اوومن، ۱۳۷۸، ص ۴۴). گروه‌های قومی شامل؛ گروه‌های فارس، ترک، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن می‌شود.

چهارچوب نظری

اعتماد از نظر گیدنز اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص یا نظام با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین است (گیدنز، ۱۳۸۰، ص ۴۲). انتزاعی‌ترین نوع اعتماد، اعتماد نسبت به نهادها و سازمان‌ها است. اعتماد به مدارس، دانشگاه‌ها، ارتش، دادگستری، پلیس،

بانکها، بورس سهام، دولت، مجلس و به عبارتی کلیه نهادهایی است که در ارتباط با حیطه وظایف و نقشهای دولتی قرار دارند و متولیان آنها دولتی هستند. پاتنام در انتزاعیترین سطح، میزان تعامل و ارتباط افراد را عامل به وجود آورنده اعتماد می‌داند. به همین خاطر است که او شرکت در انجمنهای مدنی را که موجب تعامل بیشتر افراد می‌شود، موجب اعتماد می‌داند.

همچنین پاتنام معتقد است که افراد برخوردار از منابع نسبت به افراد فاقد منابع، از اعتماد بیشتری برخوردارند. به نظر وی تقریباً در همه جوامع، «ندارها» کمتر از «ثروتمندان» اعتماد می‌کنند. شاید به این خاطر که دیگران با افراد دارنده منابع، با صداقت و احترام بیشتری رفتار می‌کنند. بی‌اعتمادی در بین «بازندگان» یعنی افراد تحصیل کرده، درآمد و منزلت پایین و نیز اعضای گروههای اقلیت (قومی، مذهبی، نژادی و...) و کسانی که از زندگی خود ابراز نارضایتی می‌کنند، رایجتر است. از این دیدگاه، اعتماد اجتماعی حاصل تجربه‌های زندگی است و کسانی که زندگی موفقیت‌آمیزی دارند نسبت به کسانی که از فقر، بی‌کاری، تبعیض، استثمار و محرومیت اجتماعی رنج می‌برند، اعتماد بیشتری دارند (نیوتن، ۲۰۰۴، ص ۱۹).

نظریه نهادی رزستین و استول، بر عامل نهادها و تاثیر آن بر اعتماد اجتماعی تاکید می‌کند. این نظریه بیان می‌کند که اگر شهروندان بدانند نهادهای مختلف به ویژه نهادهای حقوقی و انتظامی، به‌طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، می‌توانند باور کنند که شانس فرار افراد قانون‌شکن و غیرقابل اعتماد از چنگال قانون کم است. در نتیجه شهروندان به این نتیجه می‌رسند که «مردم دلیل خوبی برای اجتناب از این‌گونه رفتارها دارند و از این رو قابل اعتماد نیز هستند». وجود فساد، رشوه‌خواری، خودرأیی و سوگیری غیرعادلانه نهادهای قضایی و پلیس بر اعتماد شهروندان نسبت به کارآمدی نهادها و عدالت آنها تاثیر می‌گذارد (رزستین و دیگری، ۲۰۰۲، صص ۱۶-۱۸).

کلاس اوفه با تاکید بر کیفیت نهادها معتقد است که اگر نهادها به خوبی طراحی شوند، می‌توانند زمینه‌ساز اعتماد به افرادی باشند که هرگز با آنها تماس نداشته‌ایم (همان، ص ۲۴۷).

روش پژوهشی

این تحقیق از سه روش جامعه‌شناختی به شرح زیر بهره برده است:

- ۱- مطالعه اسنادی که به بررسی کلیه نوشته‌های مربوط به موضوع مطالعه پیرامون گروه‌های قومی، اعتماد اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی دولت پرداخته است.
 - ۲- مطالعه پیمایشی که به بررسی میزان اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی نسبت به سیاست‌های اجتماعی دولت می‌پردازد.
 - ۳- مطالعه میدانی، که به بررسی کیفی (مشاهده و مصاحبه) اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی نسبت به سیاست‌های اجتماعی دولت می‌پردازد.
- جامعه مورد بررسی: گروه‌های قومی فارس، ترک، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن ساکن در سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی می‌باشد.
- واحد نمونه‌گیری: هر یک از افراد اعم از زن و مرد بین گروه سنی ۶۵-۱۸ سال که به نحوی عضو یکی از گروه‌های قومی هستند.
- روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب برای انتخاب نمونه در تحقیق حاضر انتخاب گردید. هر یک از قومیت‌ها یک طبقه در نظر گرفته شده است، سپس از داخل هر طبقه تعدادی تحت عنوان نمونه انتخاب گردیدند.

$$n_0 = \left(\frac{z}{d} \cdot S \right)^2$$

$$n = \frac{n_0}{1 + n_0/N}$$

طبق فرمول‌های برآورد حجم نمونه داریم:

N : حجم کل جامعه که در تحقیق حاضر ۷/۴۷۲/۷۶۷ میلیون نفر می‌باشد.

S : واریانس صفت اعتماد اجتماعی در نمونه مقدماتی.

d : کران خطای قابل تحمل.

اعتبار و روایی درونی ابزار تحقیق

روایی به معنای آن است که ابزار تحقیق پاسخگوی سؤال‌ها می‌باشد. از آن‌جا که ابزار ترکیبی از چندین پرسش‌نامه استاندارد شده بود، معهداً ابزار تحقیق پس از طراحی به همراه سؤال‌های تحقیق در اختیار تعدادی از استادان متخصص و صاحب فن قرار گرفت و پس

از تایید ایشان و اصلاحات لازم تکثیر شد و در اختیار افراد نمونه آماری قرار گرفت. جهت تعیین اعتبار درونی ابزار (همگنی پاسخ افراد نمونه) از روش ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از رده‌ی سؤال‌ها استفاده شد.

روش استخراج و تحلیل داده‌ها

از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده گردید. با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی شامل؛ طبقه‌بندی و تلخیص داده‌ها با استفاده از جداول فراوانی ساده و چندبُعدی و سطح استنباطی جهت آزمون فرضیه‌ها و مدل مورد نظر تحقیق شامل تکنیک‌های آماری مختلف متناسب با سطح سنجش متغیرها (آزمون t استودنت، آنالیز واریانس، رگرسیون و...) مورد تحلیل قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

اگر اعتماد اجتماعی را یکی از لوازم ضروری زندگی اجتماعی در دنیای مدرن بدانیم، اهمیت آن کم‌وبیش آشکار می‌شود. انسان‌ها در زندگی روزانه و در انواع و اقسام فعالیت‌های خود لازم است به یکدیگر اعتماد و روابط خود را بر اساس آن بنا کنند. اعتماد افراد به واحدها و نهادهای اجتماعی، کارکردهای نظام اجتماعی را تسهیل می‌کند، در نظم اجتماعی مؤثر می‌افتد. به علاوه شیوه‌های حکومت و سیاست‌ورزی در دنیای امروز به گونه‌ای است که وجود اعتماد شهروندان به حاکمان و نظام سیاسی را ضروری ساخته است. از سوی دیگر پیامدهای بی‌اعتمادی فزاینده و کناره‌گیری از زندگی مدنی، بسیار زیاد و متنوع است، کاهش تعداد رأی‌دهندگان، افزایش بدبینی و بیگانگی، تمایل بیشتر به تقلب در نظام مالیاتی و ترجیح نفع شخصی بر مصلحت عمومی، نارضایتی از زندگی عمومی، و فرسایش اعتماد به نهادهای - اجتماعی و سیاسی است. در نتیجه موج عظیمی از علاقه به اعتماد، گاهی به خود مفهوم و به‌طور عام‌تر به عنوان بهترین شاخص نظریه‌ی تبیینی گسترده‌تر یعنی نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، بروز کرده است (نیوتن، ۲۰۰۴، ص ۱۶).

اعتماد از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی و کالایی است که فقط با تعامل و مشارکت هم‌زمان جامعه و دولت قابل تولید است. اعتماد اجتماعی زمانی ایجاد می‌شود

که دولت و مردم به یکدیگر اعتماد کنند. اگر دولت به مردم اعتماد نداشته باشد، یا مردم از دولت سلب اعتماد کنند، این کالا قابلیت تولید ندارد. یا اگر کارکنان نهادها و سازمان‌های دولتی فاسد باشند، این فساد به مردم سرایت می‌کند و بالعکس، اگر مردم فاسد باشند، این فساد به کارکنان دولت سرایت می‌کند. در صورت سرایت و تسلط، بی‌اعتمادی بر افراد جامعه چیره می‌شود و قدرت تفکر و تفسیر مسایل در افراد کاهش می‌یابد و نمی‌توانند مسئولانه عمل کنند، لذا انسجام اجتماعی گسسته می‌شود (ویلیجتال، ۲۰۰۵، ص ۴۳۳).

برای ایجاد اعتماد اجتماعی یک‌سری متغیرها تاثیرگذار است:

کارآمدی نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عدالت نهادی، وجود احساس امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و موفقیت دولت در اجرای سیاست‌های اجتماعی.

فرضیه‌ی اول تحقیق «بین کارآمدی نهادها و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد»

جدول شماره (۱): ارتباط خطی بین کارآمدی نهادها با اعتماد اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	درجه آزادی	آماره آزمون	سطح معناداری
کارآمدی نهادها	۰/۵۱	۴۰۴	۹/۹۴	۰/۰۰۰
عدالت	۰/۵۹	۴۰۲	۱۰/۷۶	۰/۰۰۰
فساد	۰/۳۵	۴۰۲	۶/۶۷	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۴۸	۴۰۲	۷/۶۴	۰/۰۰۰
تمیض	۰/۱۹	۴۰۴	۲/۶۶	۰/۰۰۸
برابری	۰/۳۰	۴۰۲	۶/۰۰	۰/۰۰۰
رژاه	۰/۳۷	۴۰۲	۷/۹۵	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری در سنجش رابطه بین کارآمدی نهادها با اعتماد اجتماعی که تقریباً برابر با صفر رقم خورده است، گواه بر رد قوی فرض صفر می‌دهد، لذا می‌توان گفت که: «بین کارآمدی نهادها و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد»

بررسی متغیرها و فرضیه‌های تحقیق از رویکرد اقوام مختلف برای محقق بسیار مهم است. لذا در این بخش متغیر مستقل مربوط به فرضیه‌ی اول یعنی کارآمدی نهادها به طور جزئی و به تفکیک قومیت مورد کندوکاو قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۲): گزارش بررسی پیرامون متغیر کارآمدی نهادها به تفکیک قومیت

متغیر	شاخص‌های توصیفی									بررسی ارتباط بین اعتماد اجتماعی با کارآمدی نهادها	بررسی اختلاف بین میانگین امتیازات قومیت‌ها در متغیر کارآمدی نهادها
	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم	ضریب همبستگی	سطح معناداری	F		
کارآمدی نهادها و سازمان‌ها	فارس	۳۵۰	۳۵/۵	۱۷/۳	۱/۲	۱۰۰/۰	۰/۴۹	۰/۰۰۰	۰/۹۰	۴۰۵	۰/۴۴۳
	ترک	۲۰	۵۱/۴	۲۱/۶	۲۲/۵	۱۰۰/۰	۰/۸۲	۰/۰۰۰			
	کرد	۲۹	۴۸/۶	۱۳/۳	۲۱/۲	۸۲/۵	۰/۶۳	۰/۰۰۰			
	سایر (بلوچ، عرب و ترکمن)	۷	۵۷/۰	۹/۹	۴۸/۷	۷۶/۲	-۰/۰۳	۰/۹۴۷			

در جدول شماره (۲) دیده می‌شود که در آزمون همبستگی کارآمدی نهادها و سازمان‌ها، در سه قومیت فارس، ترک و کرد شاخص سطح معناداری تقریباً نزدیک صفر حاصل شده است که این موضوع به رد شدید فرض صفر منجر می‌شود. به عبارتی، از نظر این سه قومیت کارآمدی نهادها و سازمان‌ها با اعتماد اجتماعی رابطه‌ای معنادار دارند. اما این موضوع در قومیت‌های بلوچ، عرب و ترکمن کاملاً متفاوت است. یعنی طبق نظر این سه قومیت که در یک گروه قومیتی واقع شده‌اند، $۰/۹۴۷ =$ سطح معناداری پذیرش فرض صفر را نشان می‌دهد، یعنی گروه قومیتی سایر کارآمدی نهادها و سازمان‌ها را با اعتماد اجتماعی مرتبط نمی‌دانند.

و اما عدد به دست آمده برای سطح معناداری در آزمون معناداری اختلاف میانگین امتیازات کارآمدی نهادها در گروه‌های قومیتی، برابر $۰/۴۴۳$ به دست آمده که موید فرض صفر به عنوان حکم نهایی فرض برابری میانگین‌ها می‌باشد. لذا می‌توان گفت که بین نظر قومیت‌های مختلف نسبت به کارآمدی نهادها اختلاف معناداری وجود ندارد.

اکثر نظرات مصاحبه‌شوندگان در تعیین کارآمدی دستگاه‌های اجتماعی، در حد متوسط متراکم شده‌اند. در عین حال، به غیر از پنج نهاد یا سازمان وزارت کار و امور اجتماعی، شورای شهر، شرکت‌های تعاونی، شهرداری و بنیاد ۱۵ خرداد در سایر دستگاه‌ها نظرات پاسخگویان از سطح امتیاز متوسط، اندکی به بالا متمایل است.

فرضیه‌ی دوم تحقیق «بین عدالت نهادی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد»

جدول شماره (۳): ارتباط خطی بین عدالت نهادی با اعتماد اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	درجه آزادی	آماره آزمون	سطح معناداری
عدالت نهادی	۰/۵۲	۳۹۶	۱۱/۷۴	۰/۰۰۰
عدالت	۰/۵۹	۳۹۴	۹/۸۴	۰/۰۰۰
فساد	-/۳۳	۳۹۴	۷/۸۷	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۵۷	۳۹۴	۱۰/۹۴	۰/۰۰۰
تبعیض	۰/۳۵	۳۹۶	۴/۸۷	۰/۰۰۰
برابری	-/۳۸	۳۹۴	۹/۳۷	۰/۰۰۰
رفاه	۰/۱۹	۳۹۴	۰/۰۶	۰/۰۰۰

بر اساس جدول شماره (۳) چنین نتیجه‌گیری می‌شود که به دلیل این که آزمون همبستگی عدالت نهادی با اعتماد اجتماعی رقمی نزدیک به صفر برای سطح معناداری می‌باشد، فرض صفر به شدت رد گشته است و می‌توان چنین عنوان داشت که «بین عدالت نهادی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد».

متغیر مربوط به فرضیه‌ی دوم نیز یکی از متغیرهای تحقیق است که بررسی آن به تفکیک قومیت‌ها بسیار حایز اهمیت می‌باشد. بر این اساس در جدول شماره (۴) می‌توان محاسبات و نتایج آزمون‌های مربوط به این متغیر را به تفکیک قومیت مطالعه نمود.

با توجه به مندرجات جدول شماره (۴)، بین عدالت نهادی و اعتماد اجتماعی از نظر پاسخگویان دو قومیت فارس و ترک به دلیل داشتن رقمی نزدیک به صفر برای شاخص سطح معناداری و در نتیجه آن رد H_0 ، رابطه معناداری وجود دارد. اما این شاخص در آزمون همبستگی بین این دو متغیر بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان قومیت سایر (بلوچ، عرب و ترکمن) رقم ۰/۱۸۱ را برای خود برگزیده است. لذا فرض صفر به دلیل بزرگ‌تر بودن این رقم از ۰/۰۵ مورد پذیرش بوده و گواه بر عدم وجود رابطه‌ای معنی‌دار بین دو متغیر عدالت نهادی و اعتماد اجتماعی بر اساس نظر این گروه قومیتی می‌باشد. هم‌چنین دیده می‌شود که انجام این آزمون طبق نظر پاسخگویان کُرد عدد ۰/۰۶۸ را برای سطح معناداری رقم زده است. این بدان معناست که فرض صفر با ضریب اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش است و با این ضریب اطمینان، طبق نظر آزمودنی‌های قومیت کُرد، رابطه‌ای معنادار بین عدالت نهادی و اعتماد اجتماعی وجود ندارد.

جدول شماره (۴): گزارش بررسی پیرامون متغیر عدالت نهادی به تفکیک قومیت

متغیر	شاخص‌های توصیفی									بررسی ارتباط بین اعتماد اجتماعی با عدالت نهادی	بررسی اختلاف بین میانگین امتیازات قومیت‌ها در متغیر عدالت نهادی
	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم	ضریب همبستگی	سطح معناداری	F		
قومیت (بلوچ، عرب و ترکمن)	فارس	۳۴۳	۴۶/۰	۲۰/۱	۰/۰	۹۸/۳	۰/۵۰	۰/۰۰۰	۱/۳۳	۳۹۷	۰/۲۶۲
	ترک	۳۰	۴۱/۲	۲۳/۷	۰/۰	۸۵/۰	۰/۸۱	۰/۰۰۰			
	کرد	۲۸	۴۳/۷	۱۳/۷	۲۰/۰	۷۸/۳	۰/۳۵	۰/۰۶۸			
	سایر (بلوچ، عرب و ترکمن)	۷	۵۷/۸	۱۴/۰	۳۳/۳	۷۵/۰	۰/۵۷	۰/۱۸۱			

و اما آزمون آنالیز واریانس معنی‌داری اختلاف میانگین امتیازات متغیر عدالت نهادی، برای سطح معناداری عدد ۰/۲۶۲ را معرفی می‌نماید. لذا فرض صفر رد نشده است و می‌توان گفت که عدالت نهادی در بین گروه‌های قومیتی مختلف، یکسان ارزیابی می‌گردد. اکثر پاسخگویان سطح عدالت نهادی و سازمانی را در حدی متوسط می‌دانند، با این حال دیده می‌شود که نظر این مصاحبه‌شوندگان در مورد اکثر شاخص‌های این متغیر از متوسط به سمت کم متمایل است.

فرضیه‌ی سوم تحقیق «بین احساس امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد»

جدول شماره (۵): ارتباط خطی بین احساس امنیت اجتماعی با اعتماد اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	درجه آزادی	آماره آزمون	سطح معناداری
امنیت اجتماعی	۰/۶۱	۴۰۵	۱۳/۵۰	۰/۰۰۰
عدالت	۰/۶۷	۴۰۳	۱۳/۰۵	۰/۰۰۰
فساد	۰/۴۵	۴۰۳	۸/۸۴	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۶۰	۴۰۳	۱۲/۵۲	۰/۰۰۰
تمیض	۰/۲۵	۴۰۵	۳/۲۸	۰/۰۰۰
برابری	۰/۳۷	۴۰۳	۷/۸۶	۰/۰۰۰
رژاه	۰/۳۷	۴۰۳	۸/۲۸	۰/۰۰۰

همچنین نتیجه آزمون مشابه برای همبستگی بین احساس امنیت اجتماعی و هر یک از متغیرهای تشکیل‌دهنده اعتماد اجتماعی نتیجه زیر را در بر دارد:

$$p - \text{value} \approx 0,000 < 0,05 \Rightarrow RH.$$

پس می‌توان گفت که متغیر مستقل احساس امنیت اجتماعی با هر یک از متغیرهای تشکیل‌دهنده متغیر وابسته تحقیق یک رابطه معنادار دارد.

در جدول (۶) می‌توان محاسبات و نتایج آزمون‌های مربوط به متغیر احساس امنیت اجتماعی را به تفکیک قومیت مطالعه نمود.

جدول شماره (۶): گزارش بررسی پیرامون متغیر احساس امنیت اجتماعی به تفکیک قومیت

متغیر	شاخص‌های توصیفی						بررسی ارتباط بین اعتماد اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی		بررسی اختلاف بین میانگین امتیازات قومیت‌ها در متغیر احساس امنیت اجتماعی	
	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مینیم	ماکزیمم	ضریب همبستگی	سطح معناداری	F	درجه آزادی
آسیب‌رسانی اجتماعی	فارس	۳۵۱	۴۴/۶	۱۶/۰	۲/۸	۹۱/۷	۰/۶۱	۰/۰۰۰	۱/۳۲	۴۰۶
	ترک	۲۰	۴۲/۴	۱۶/۷	۱۳/۹	۷۷/۸	۰/۸۱	۰/۰۰۰		
	کرد	۲۹	۴۵/۲	۱۲/۹	۱۹/۴	۷۲/۲	۰/۲۸	۰/۱۴۴		
	سایر (بلوچ، عرب و ترکمن)	۷	۵۵/۹	۱۵/۷	۳۰/۶	۷۲/۲	۰/۶۴	۰/۱۲۲		

جدول شماره (۶) عنوان می‌دارد که مقدار سطح معناداری برای آزمون همبستگی احساس امنیت اجتماعی با اعتماد اجتماعی طبق نظر دو قومیت فارس و ترک تقریباً نزدیک صفر رقم خورده است. لذا برای این دو قومیت، فرض صفر که مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر مذکور بود، قویاً رد می‌شود. بنابراین احساس امنیت اجتماعی با اعتماد اجتماعی از نظر دو قومیت فارس و ترک رابطه‌ای معنادار برقرار می‌کند. اما با مراجعه به نظر پاسخگویان گروه قومیتی کرد و سایر (بلوچ، عرب و ترکمن)، ملاحظه می‌گردد که سطح معناداری به ترتیب عددهای ۰/۱۴۴ و ۰/۱۲۲ را اختیار کرده است که بر قبول فرض صفر دلالت دارند. لذا دو گروه قومیتی کرد و سایر (بلوچ، عرب و ترکمن) برای دو متغیر احساس امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری را قایل نیستند.

فرضیه‌ی چهارم تحقیق «بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد»

جدول شماره (۷): ارتباط خطی بین مشارکت اجتماعی با اعتماد اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	درجه آزادی	آماره آزمون	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی	۰/۰۱	۲۱۱	۰/۱۹	۰/۹۲۸
عدالت	-۰/۰۴	۲۱۰	-۰/۵۹	۰/۵۵۵
فساد	-۰/۰۴	۲۱۰	-۰/۵۹	۰/۵۵۴
اعتماد نهادی	۰/۰۹	۲۱۰	۱/۲۵	۰/۲۱۳
تبعیض	-۰/۰۸	۲۱۰	-۱/۰۶	۰/۳۶۷
برابری	-۰/۱۵	۲۱۰	۲/۲۱	۰/۰۲۸
رژاه	-۰/۰۲	۲۱۰	-۰/۲۸	۰/۷۷۷

بر اساس جدول شماره (۷) چنین نتیجه‌گیری می‌شود که به دلیل تعلق گرفتن عدد $0/928$ به شاخص سطح معناداری که خیلی از $0/05$ بزرگ‌تر است، در آزمون همبستگی بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی H_0 پذیرفته می‌شود. یعنی رابطه معنی‌داری بین دو متغیر یادشده برقرار نیست. هم‌چنین در بررسی وجود رابطه مشارکت اجتماعی با هر یک از متغیرهای تشکیل‌دهنده‌ی اعتماد اجتماعی دیده می‌شود که تنها رابطه بین مشارکت اجتماعی با احساس برابری به دلیل داشتن رقم $0/028$ برای سطح معناداری که از $0/05$ کوچک‌تر است، معنی‌دار بوده است و این متغیر مستقل با سایر متغیرهای تشکیل‌دهنده‌ی متغیر وابسته هیچ رابطه معنی‌داری ندارد.

جدول شماره (۷) چنین عنوان می‌دارد که تنها قومیتی که در آن ضریب همبستگی بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی معنادار شده است، قومیت کُرد می‌باشد که در آن $0/046 =$ سطح معناداری را نشان می‌دهد، لذا فرض صفر که بر نبود رابطه دلالت دارد، رد شده و وجود یک رابطه معنادار بین دو متغیر مذکور طبق نظر گروه قومیتی کرد تایید می‌شود. اما در سایر گروه‌های قومی با نگاه به مقادیر سطح معناداری روشن می‌گردد که رابطه معناداری بین این متغیر مستقل با متغیر وابسته تحقیق برقرار نیست.

جدول شماره (۸): گزارش بررسی پیرامون متغیر مشارکت اجتماعی به تفکیک قومیت

متغیر	شاخص‌های توصیفی					بررسی ارتباط بین اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی		بررسی اختلاف بین میانگین امتیازات قومیت‌ها در متغیر مشارکت اجتماعی	
	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم	ضریب همبستگی	سطح معناداری	F
عشایر کرد و اقوام وابسته (بلوچ، عرب و ترکمن)	فارس	۱۷۳	۱۷/۹	۱۹/۱	۰/۸	۸۵/۹	-۰/۰۱	۰/۹۰۵	۰/۳۱
	ترک	۱۲	۳۱/۳	۲۴/۴	۳/۲	۸۱/۱	-۰/۰۸	۰/۸۱۱	
	کرد	۲۴	۱۵/۰	۲۰/۳	-/۰	۱۰۰/۰	۰/۴۱	۰/۰۴۶	
	سایر (بلوچ، عرب و ترکمن)	۴	۱۹/۴	۱۷/۱	۰/۰	۳۵/۶	-۰/۹۳	۰/۰۶۸	

جدول شماره (۸) عنوان می‌دارد که مقدار $0/821 =$ سطح معناداری برای آزمون آنالیز واریانس تفاوت معناداری بین نظرات گروه‌های قومیتی مختلف نیز عدم تفاوت در نظرات قومیت‌ها را گواهی می‌کند.

فرضیه‌ی پنجم تحقیق «بین موفقیت دولت در اجرای سیاست‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.»

جدول شماره (۹): ارتباط خطی بین سیاست‌های اجتماعی دولت با اعتماد اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	درجه آزادی	آماره آزمون	سطح معناداری
سیاست اجتماعی دولت	۰/۴۹	۴۰۲	۹/۰۹	۰/۰۰۰
عدالت	۰/۵۰	۴۰۱	۹/۳۸	۰/۰۰۰
فساد	-۰/۳۸	۴۰۱	۷/۱۶	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۴۸	۴۰۱	۷/۰۵	۰/۰۰۰
تبعیض	-۰/۱۸	۴۰۲	۳/۶۹	۰/۰۲
برابری	-۰/۳۴	۴۰۱	۶/۸۷	۰/۰۰۰
رفاه	۰/۲۹	۴۰۱	۵/۰۵	۰/۰۰۰

در جدول شماره (۹) مشاهده می‌گردد که مقدار سطح معناداری برای آزمون ضریب همبستگی دو متغیر موفقیت دولت در اجرای سیاست اجتماعی و اعتماد اجتماعی نزدیک به صفر محاسبه شده است. لذا فرض صفر قویاً رد شده است و چنین می‌توان عنوان کرد که «بین موفقیت دولت در اجرای سیاست‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.»

جدول شماره (۱۰) نتیجه محاسبات و انجام آزمون‌های مرتبط با متغیر موفقیت دولت در اجرای سیاست‌های اجتماعی را به تفکیک قومیت نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱۰): گزارش بررسی پیرامون متغیر سیاست اجتماعی به تفکیک قومیت

متغیر	شاخص‌های توصیفی						بررسی ارتباط بین اعتماد اجتماعی با سیاست اجتماعی دولت			بررسی اختلاف بین میانگین امتیازات قومیت‌ها در متغیر سیاست اجتماعی دولت		
	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم	سطح همبستگی	ضریب همبستگی	سطح معناداری	F	درجه آزادی	سطح معناداری
قومیت (فارس، ترک، کرد، سایر (بلوچ، عرب و ترکمن))	فارس	۳۴۹	۴۷/۵	۲۱/۴	۴/۲	۱۱/۰	۰/۴۷	۰/۰۰۰	۱/۶۳	۴۰۳	۰/۱۸۲	
	ترک	۲۰	۴۱/۹	۲۸/۴	۰/۰	۹۵/۸	۰/۸۴	۰/۰۰۰				
	کرد	۲۸	۱۵/۰	۱۴/۶	۲۰/۸	۷۹/۲	۰/۳۱	۰/۱۱۳				
	سایر (بلوچ، عرب و ترکمن)	۷	۵۸/۳	۹/۰	۵۰/۰	۷۵/۰	۰/۷۰	۰/۰۷۷				

جدول شماره (۱۰) عنوان می‌دارد که مقدار سطح معناداری برای آزمون همبستگی سیاست اجتماعی با اعتماد اجتماعی طبق نظر دو قومیت فارس و ترک تقریباً نزدیک صفر رقم خورده است. لذا برای این دو قومیت، فرض صفر که مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر مذکور بود، قویاً رد می‌شود. بنابراین احساس امنیت اجتماعی با

موفقیت دولت در اجرای سیاست اجتماعی از نظر دو قومیت فارس و ترک رابطه‌ای معنادار برقرار می‌کند.

اما با مراجعه به نظر پاسخگویان گروه قومیتی کُرد و سایر (بلوچ، عرب و ترکمن)، ملاحظه می‌گردد که به ترتیب عددهای ۰/۱۱۳ و ۰/۰۷۷ را اختیار کرده است که بر قبول فرض صفر دلالت دارند. لذا دو گروه قومیتی کُرد و سایر (بلوچ، عرب و ترکمن) برای دو متغیر احساس امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری را قایل نیستند.

بر اساس نظر پاسخگویان قومیت ترک، دو متغیر احساس امنیت اجتماعی و کارآمدی نهادها در مدل ضروری شناخته شده‌اند که میزان ضریب تعیین چنین عنوان می‌دارد که از نظر مصاحبه‌شوندگان قومیت ترک، ۸۵ درصد متغیر اعتماد اجتماعی توسط این دو متغیر برآورد می‌گردد. در قومیت کُرد تاثیر متغیرها به متغیر کارآمدی نهادها و سازمان‌ها تقلیل یافته و مدل رگرسیونی را به یک مدل تک‌متغیره مبدل نموده است. همچنین بر اساس مقدار ضریب تعیین ملاحظه می‌گردد که از نظر پاسخگویان قومیت کُرد، میزان برآورد متغیر وابسته توسط کارآمدی نهادها و سازمان‌ها ۵۱ درصد می‌باشد.

در گروه قومیتی سایر (بلوچ، عرب و ترکمن) ملاحظه می‌گردد که تنها یک متغیر اما این بار متغیر احساس امنیت اجتماعی با میزان ۹۰ درصد تنها تبیین‌کننده متغیر وابسته یا همان اعتماد اجتماعی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این تحقیق، اعتماد اجتماعی، بر اساس مدل‌های نظری، به ترتیب از عواملی به این شرح تاثیر می‌پذیرد:

کارآمدی نهادها و سازمان‌ها رابطه مستقیمی با اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی دارد. همان‌طور که کلاس اوفه مطرح می‌نماید، نهادها اعتماد را تعمیم می‌دهد، چون اعضای خود را به فضیلت حقیقت‌گویی پای‌بند می‌سازد و نقض این هنجار را به خوبی تشخیص می‌دهد. تا زمانی که احساس کنیم کنشگران در الگوهای نهادی که به تحمیل حقیقت می‌پردازند قرار دارند، آموزش می‌بینند و محدود می‌شوند، احتمال اعتماد به آنها بیش‌تر است. عمل به تعهدات اجتماعی و به ویژه فضیلت محترم‌شمردن قراردادهای، چیزی نیست

مگر گفتن حقیقت به طور جدی. در این جا نیز نهادها موجد کارگزاران پای بند به تعهدات اجتماعی است. بیشتر عهدها را می توان به کمک نظام قضایی دارای ضمانت اجرایی کرد. احساس امنیت اجتماعی نیز با اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی رابطه مستقیم و معناداری دارد. در جهان امروز رفاه و امنیت بیش از امکان برخورداری از یک سری امکانات و تجهیزات، به آرامش و آسایش و احساس رضایتی که در نتیجه دارا بودن شرایط و عوامل ایجاد می شود، اطلاق می گردد و به همین دلیل فقدان احساس امنیت سبب می شود اعتماد اجتماعی رنگ ببازد و افراد در روابط و مناسبات اجتماعی به یکدیگر و گروه‌های غیر خودی با احتیاط برخورد نمایند.

موفقیت دولت در سیاست‌های اجتماعی رابطه مثبت و معناداری با اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی دارد. در تحقیق عباس‌زاده (۱۳۸۳) نیز به این نتیجه دست یافت که عملکرد و موفقیت دولت در سیاست‌های خود منجر به ایجاد اعتماد اجتماعی در جامعه می شود. چرا که دولت‌ها برای اجرای سیاست‌های اجتماعی خود نیازمند جلب اعتماد کسانی می باشند که تحت نظارت آن‌ها به فعالیت می پردازند و موفقیت آن‌ها در گروه کسب اعتماد است. توجه به نیازهای این افراد و ارضای آن نیازها سبب ایجاد اعتماد خواهد شد و عدم توجه به خواسته‌ها و نیازهای افراد جامعه می تواند به عنوان عنصری نابودکننده، سیاست‌های اجتماعی دولت را با شکست و ناکامی روبرو سازد. متولیان سیاست‌های اجتماعی در صورتی که از اعتماد شهروندان نسبت به خود برخوردار باشند، بهتر می توانند از مهارت‌ها، توانایی‌ها و استقلال خود در جهت ارائه خدمات اجتماعی و اثربخش نمودن اقدامات خود استفاده کنند. لذا عدم موفقیت دولت در اجرای سیاست‌های اجتماعی خود به بی‌اعتمادی در بین گروه‌های قومی منجر می شود و در جامعه بی‌اعتمادی به سیاست‌های اجتماعی دولت به مشارکت نکردن در تحقق آن سیاست‌ها منجر می شود که موجب می شود تنزل منزلت و ارتباطات اجتماعی سازمان‌هایی را که در اجرای سیاست‌های اجتماعی دخیل اند، گشته که حاکی است از عدم کارایی سازمان و یا وجود فساد و تبعیض در آن تلقی می گردد و به طور مستقیم و غیرمستقیم زیان‌های مالی و مادی را نیز در بر دارد.

پیشنادهای تحقیق

- ایجاد زمینه مشارکت افراد در فعالیت‌های مدنی و انجمن‌های داوطلبانه سبب افزایش سطح اعتماد بالاتری در افراد می‌شود، البته به شرطی که فعالیت‌های این گروه‌ها و انجمن‌ها زمینه تعامل میان افراد را فراهم کند و به شناخت عمیق‌تر اعضا از یکدیگر بیانجامد. به این طریق همه ایرانیان کُرد، ترک، عرب، بلوچ، لر و فارس به ایران احساس تعلق کنند.

- عمل به تعهدات اجتماعی و عمل به وعده‌های داده شده. به منظور احیای اعتماد دولتی اعتماد مخدوش را ترمیم کرد که عمدتاً به واسطه خلف وعده‌های گذشته صورت گرفته است.

- بی‌اعتمادی در میان گروه‌های قومی سبب می‌شود به شدت افراد در مقابل ریسک‌های موجود در اعتماددوری نسبت به بیگانگان آسیب‌پذیرتر شوند، لذا برای احیای اعتماد از طریق افزایش منابع و امکانات که عمدتاً از طریق سیاست‌های اجتماعی معطوف به عدالت اجتماعی و توزیع مجدد درآمد میسر است، اقدام نمود.

- کاهش تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی. در این راستا تداوم سفرهای استانی رئیس جمهور و هیأت دولت نقش بسیار مهمی دارد.

- ایجاد امنیت اقتصادی و رسیدگی بیشتر به وضعیت معیشتی، اقتصادی گروه‌های قومی با اجرای صحیح توزیع سهام عدالت.

- جمع‌آوری اطلاعات صحیح و کافی از ابعاد و وضعیت معیشتی خانوارها جهت توزیع امکانات مساوی بین گروه‌های قومی.

زیرنویس‌ها

1- Social Trust	2- Social Capital	3- Solidarity	4- Social Consensus
5- Social Convergence	6- Trust	7- Inglehart	8- Fuhuyama
9- Putnam	10- Discrimination	11- Inequality	12- Relative deprivation

منابع

- ۱- آزادارمکی، تقی و دیگری، اعتماد، اجتماع، جنسیت، تهران: مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۳۲، ۱۳۸۳.
- ۲- آزادارمکی، تقی، بحران اجتماعی و روشنفکران ایرانی، فرهنگ و اندیشه، سال سوم، شماره ۱۵۲، ۱۳۸۳.
- ۳- اجاقلو، سجاد و دیگری، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنین شهر زنجان، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱۲۵، ۱۳۸۴.
- ۴- الوانی، مهدی و دیگری، مدیریت دولتی و اعتماد عمومی، فصلنامه دانش و مدیریت، شماره ۵۵، ۱۳۸۰.
- ۵- اوومن، تی. کی، شهروندی، ملیت، قومیت، ترجمه: مصطفی امیری، تهران: مطالعات ملی، ۱۳۷۸.

- ۶- اینکلهارت، رونالد. تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی. ترجمه: مریم وتر. تهران: کویر. ۱۳۸۲.
- ۷- بیکر، واین. مدیریت و سرمایه اجتماعی. ترجمه: مهدی الوانی و دیگری. تهران: سازمان مدیریت صنعتی. ۱۳۸۲.
- ۸- پانام، روبرت. دموکراسی و سنت‌های مدرن. ترجمه: محمد تقی دلفروز. تهران: نغدیر. ۱۳۸۰.
- ۹- شارع پور، محمود. فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای آن. نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۱۱۲. ۱۳۸۰.
- ۱۰- شولتز، دوان و دیگری. نظریه‌های شخصیت. ترجمه: یحیی سیدمحمدی. تهران: هم. ۱۳۷۷.
- ۱۱- عباس‌زاده، محمد. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان. فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی. سال چهارم. شماره‌ی ۱۳۸۳. ۲۹۱.
- ۱۲- کاشی، غلامرضا. شکاف نسلی در ایران. نشریه کار و کارگر. پنجم مرداد ماه ۱۳۸۲.
- ۱۳- کاظمی، علی اصغر. هفت ستون سیاست. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۹.
- ۱۴- گیدنز، آنتونی. پیامدهای مدرنیته. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات مرکز. ۱۳۸۰.
- ۱۵- مقصودی، مجتبی. قومیت و نقش آن در تحولات سیاسی سلطنت محمدشاه. تهران: مرکز اسناد اسلامی. ۱۳۸۲.
- ۱۶- میری، سیداحمد. دیباچه‌ای بر فرهنگ استبداد در ایران. تهران: نگاه معاصر. ۱۳۸۰.
- ۱۷- ملکی‌زاده، اکبر. بررسی نقش اعتماد متقابل مردم و حکومت در توسعه سیاسی. تهران: دانشگاه امام صادق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی. ۱۳۷۴.

18- Newton, K. Trust, Social Capital, Civil society and Democracy. International science Review. vol. 22. No2, pp. 201-214. 2001.

19- Rothstein, B. and D. Stolle. How political in stitution create and destroy social capital. Paper prepared for the 98th metting of the American political science. 2002.

20- Welch, M. R. & Others. "Determinants and Consequences of Trust". Sociological Inquiry. Vol. 75, No. 4. Abstract. 2005.